

بازشناسی اصول پنج‌گانه استناد پیرنیا در معماری خانه‌های سنتی ایران و تحلیل آن با استناد به منابع اعتقادی اسلامی مطالعه موردی: خانه‌های شهر یزد

یعقوب پیوسته گر^{۱*}، علی اکبر حیدری^۲، مطهره اسلامی^۳

^۱ دکتری شهرسازی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج (مسئول مکاتبات)
^۲ دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه یاسوج
^۳ پژوهشگر دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۹

چکیده

هنر به صورت عام ابزاری برای انتقال افکار، عقاید و ارزش‌های مورد تأیید هر تمدن است و با بررسی آثار هنری هر قوم، می‌توان به مبانی ایدئولوژیک و اعتقادی آن پی برد. در این زمینه معماری به عنوان یکی از جلوه‌های هنر، سهم ویژه‌ای در انتقال اصول و ارزش‌های نظری هر جامعه بر عهده دارد. آثار معماری به ویژه زمانی که صحبت از معماری اسلامی در میان باشد، تجلی بخش سنت اسلامی است که در بطن آیات قرآن و کلام معصوم، نسل به نسل و سینه به سینه انتقال یافته و در ادوار مختلف، به صورت‌های متفاوتی در آثار مختلف تجلی یافته است. با این حال این آثار با هر شکل و کارکردی که باشند، بر اصولی واحد استوارند که در مبانی این رشته، تحت عنوان اصول معماری ایرانی-اسلامی از آنها یاد می‌شود. این اصول به تعبیر استناد پیرنیا مشتمل بر پنج اصل پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، نیارش، درون‌گرایی و مردم‌واری است که در گونه‌های مختلف معماری از جمله معماری خانه نمود دارد. بر همین اساس معمار مسلمان با تکیه بر مبانی اسلامی، سعی در متجلی کردن این اصول در ساختار معماری خود داشته و در این باره از راه کارهای مختلفی نیز بهره جسته است. نحوه نمودپذیری این اصول در معماری خانه و همچنین ریشه‌یابی این اصول در بنیان‌های نظری مکتب اسلام، هدفی است که پژوهش حاضر در پی انجام آن برآمده است. بر همین اساس در ابتدا با مراجعه به متون معماری و نیز دیدگاه صاحب‌نظران، راه کارهای عملی نمودپذیری این اصول در معماری خانه استخراج گردید و سپس با مراجعه به آیات قرآن و روایات و احادیث موجود، سعی در ریشه‌یابی آنها در بطن مبانی اسلامی شده است. برای این منظور از روش‌های تحقیق کیفی شامل روش توصیفی-تحلیلی و نیز روش تحلیل محتوا بهره گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان داد که اصول پنج‌گانه معماری ایرانی-اسلامی کاملاً برگرفته از مبانی اعتقادی و ایدئولوژیک اسلامی هستند و معمار مسلمان با علم به این مبانی و در جهت تجلی آنها در آثار خویش، از این اصول بهره گرفته است.

واژگان کلیدی: معماری خانه، اصول پنج‌گانه معماری، قرآن، احادیث و روایات.

* E-Mail: peyva@sehgar@gmail.com

مقدمه

اصول معنوی حاکم بر معماری سنتی ایران، ریشه‌های عمیقی در فرهنگ و اندیشه‌های این مرز و بوم دارند. معماری ایران پس از اسلام از حیث طراحی، دارای ظرافت و دقت بی نظیری است که در این میان اصول و جهان‌بینی اسلامی، تأثیرات غیر قابل کتمان در هویت و شکل‌دهی به آن داشته است. با ورود اسلام به مرزهای ایران، جهان‌بینی معمار سنتی تحت تأثیر این شیوه تفکر قرار گرفت. به این ترتیب این شیوه تفکر هم از بعد نظری و هم در حوزه آثار، معماری ایرانی را تحت شعاع خود قرار داد و سبک جدیدی در معماری ایرانی تحت عنوان معماری اسلامی بنا نهاد.

در باره اصول حاکم بر معماری ایرانی، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به اصول پنج‌گانه استاد پیرنیا (۱۳۸۹) اشاره کرد. این اصول شامل مردم‌واری، خودبسندگی، نیارش، پرهیز از بیهودگی و درون‌گرایی است (پیرنیا، ۱۳۸۹). بنا به اعتقاد پیرنیا، معماری سنتی ایران با هر کاربری که باشد، حتماً از این اصول تبعیت می‌نماید. با این حال به رغم مطالعات مختلفی که در مورد معماری اسلامی در ایران به انجام رسیده، تاکنون پژوهشی در باب این‌که این اصول از کجا ریشه گرفته‌اند و چگونه در معماری ایرانی تجلی یافته‌اند، صورت نگرفته است. این اصول ریشه در فرهنگ و شیوه زندگی مردم داشته و بعد از اسلام نیز با جهان‌بینی اسلامی آمیخته شده و آثار معماری بی نظیری را به وجود آورده است. بر همین اساس پژوهش حاضر با طرح این ادعا که پس از ورود اسلام به ایران زمین، تمامی ابعاد زندگی انسان ایرانی تحت تأثیر این مکتب قرار گرفته است، سعی در ریشه‌یابی اصول حاکم بر معماری ایرانی از میان آیات و احادیث مختلف دارد. در همین ارتباط از میان‌گونه‌های مختلف معماری، خانه را به عنوان بیش‌ترین نمود تجلی این اصول تبیین نموده و با انتخاب سه خانه لاری‌ها، مرتاض و گلشن در شهر یزد، سعی در تحلیل نحوه نمود پذیری این اصول در این ساختارهای معمارانه را دارد. با این توضیح این مقاله در پی پاسخ به سوالات زیر است:

- نحوه نمودپذیری اصول پنج‌گانه معماری ایرانی - اسلامی در معماری خانه‌های سنتی یزد (به عنوان یک الگوی درون‌گرا) به چه شکل بوده است؟
- هر کدام از این اصول از چه مفاهیمی در مکتب اسلامی نشأت گرفته‌اند؟

مواد و روش‌ها

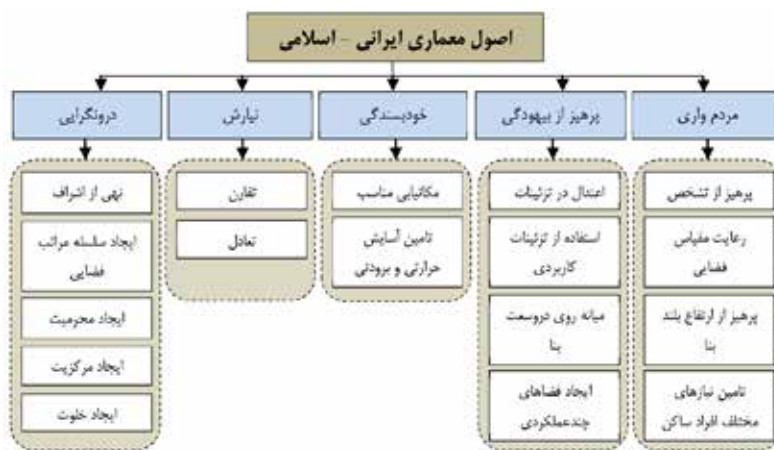
همان‌گونه که عنوان شد، پژوهش حاضر در پی بررسی و استخراج ریشه‌های اسلامی مرتبط با اصول پنج‌گانه معماری ایرانی-اسلامی است. بر این اساس پنج اصل معماری شامل پرهیز از بیهودگی، مردم‌واری، درون‌گرایی، خودبسندگی و پیمون را به عنوان چارچوب نظری تحقیق انتخاب نموده و با بررسی متون

اسلامی شامل آیات قرآن، روایات معصوم و تفاسیر مربوط به آنها، به جست و جوی مواردی پرداخته که این اصول به طور مستقیم و یا غیر مستقیم از آنها ریشه گرفته‌اند. برای این منظور در ابتدا مابه‌ازای کالبدی این اصول به ویژه در حوزه معماری خانه تبیین گردید. این امر از طریق مراجعه به ادبیات و نیز مصاحبه با صاحب‌نظران و متخصصان در عرصه‌های مختلف معماری انجام گرفت. در مرحله بعد با مطالعه متون اسلامی، ابعاد مختلف هرکدام از ویژگی‌های مذکور در میان آیات و روایات جست‌وجو شد. در این بخش سعی بر آن شد که ابعاد نظری و عملی مربوط به هر کدام از اصول مورد نظر و نیز ویژگی‌های معمارانه آنها استخراج و تدوین شود. در نهایت به منظور تعمیم یافته‌ها و نیز تحلیل عینی نتایج، موارد به دست آمده در سه نمونه خانه سنتی ایرانی واقع در شهر یزد شامل خانه لاری‌ها، خانه مرتاض و خانه گلشن مورد بررسی قرار گرفت.

نوشته حاضر بر اساس روش توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده و به منظور گردآوری داده‌ها از مراجع مستند و قابل‌اعتنای اسلامی بهره گرفته است. از آن‌جا که متون مورد بررسی دارای توضیحات دقیقی در باب معماری نیستند لذا از روش تحلیل محتوا برای بررسی اسناد و تفسیر متون استفاده شد. در این روش تلاش می‌شود که مباحث کیفی و مفهومی متون دینی به مباحث عینی و کاربردی در دنیای مادی و معماری تسری داده شود (وثیق، ۱۳۹۲: ۴).

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

خانه به عنوان یکی از اصیل‌ترین موضوع‌های معماری بشر همواره مورد توجه و اهتمام او بوده است. خانه که از ابتدای حضور انسان بر کره خاکی همراه وی بوده، دارای هویتی آشنا است؛ به گونه‌ای که بنای خانه فارغ از فرهنگ، زمان و مکان قابل تشخیص و درک است (کریمی، ۱۳۹۳: ۳۹). تأمین مسکن یکی از مهم‌ترین مسائل در معیشت بشر به شمار می‌رود که در این باره تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان، مهم‌ترین عملکرد آن محسوب می‌شود. معیارهای مسکن مطلوب تنها به این محدود نمی‌شود که سرپناه و حافظ انسان در برابر شرایط نامساعد جوی و گزند حیوانات و احتمالاً آسیب‌های هم‌نوعانش باشد و یا قیمت مناسبی داشته و تأمین آن برای هرکس مقدور باشد (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۰)؛ بلکه آن‌چه که خانه را "خانه" می‌نماید، کیفیات و اصولی هستی‌شناسانه، پایدار و ماندگار در خانه است (کریمی، ۱۳۹۳: ۴۰). این اصول قرن‌ها ثابت بوده و سینه به سینه منتقل شده و مبنای شکل‌گیری آثار مختلفی بوده است. این اصول در معماری ایرانی، ریشه در فرهنگ و شیوه زندگی مردم داشته و بعد از اسلام نیز با جهان‌بینی اسلامی آمیخته شده و آثار معماری بی نظیری را به وجود آورده است. با این حال آن‌چه که در این پژوهش بیش از هر چیز مورد تأکید و توجه قرار گرفته، بررسی ریشه‌های



نمودار شماره ۱: چارچوب نظری تحقیق؛ مأخذ: نگارندگان

اسلامی حاکم بر اصول معماری ایرانی - اسلامی است. بر همین اساس، با استناد به ادبیات موجود و نیز دیدگاه صاحب‌نظران، اصول پنج‌گانه معماری ایرانی-اسلامی در قالب برخی ویژگی‌های معمارانه تبیین گردید که به شکل‌گیری چارچوب نظری تحقیق انجامید. در نمودار شماره ۱، نحوه نمودبندی اصول پنج‌گانه معماری در قالب ویژگی‌های معمارانه ارائه شده است.

تجزیه و تحلیل

۱- پرهیز از بیهودگی

پرهیز از اسراف و بیهودگی از جمله اصولی است که در مبانی اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است به نحوی که به تعبیر قرآن کریم، مؤمنان کسانی هستند که از بیهودگی روی می‌گردانند: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (سوره مومنون، آیه ۳). این اصل در معماری ایرانی هم در دوران پیش از اسلام و هم در دوران پس از آن همواره مورد توجه معماران و سازندگان بناهای مختلف از جمله خانه بوده است. بر این اساس معمار ایرانی همواره در تلاش برای پرهیز از انجام کار بیهوده در ساختمان‌سازی و جلوگیری از اسراف و هدر دادن منابع بوده است. مطابق با این اصل تمام اجزایی که در معماری به کار برده می‌شود، دارای کارکرد بود تا حدی که این موضوع حتی در ارتباط با نوع و میزان تزئیناتی که در داخل بنا به کار برده می‌شود نیز نمود داشت. از جمله ویژگی‌های معمارانه که در ارتباط با این اصل قابل توجه است اعتدال در تزئینات، پرهیز از ارتفاع بلند بنا، استفاده از تزئینات کاربردی، رعایت وسعت و اندازه و در نهایت ایجاد فضاهای چند عملکردی در معماری خانه می‌باشد. در ذیل به بررسی این ویژگی‌ها از منظر مبانی اسلامی پرداخته می‌شود.

الف- اعتدال در تزئینات

از دیدگاه اسلام هدف از ساخت خانه فراهم آوردن سرپناه در برابر شرایط اقلیمی، ایمنی و حفظ حریم خصوصی است. بنابراین فرد مسلمان مجاز به ولخرجی و صرف هزینه‌های زیاد برای تزئینات در اتاق‌ها و فضاهای غیر ضروری نیست؛ چرا که این موضوع توجه و تمرکز فرد را بیش از هرچیز به ابعاد ظاهری بنا به جای محتوای عرفانی آن جلب می‌کند (مرتضی، ۱۳۸۷). در این باره خداوند در سوره زخرف با اشاره به این که توجه به جلوه‌های مادی خانه باعث گمراهی مسلمان می‌شود، افراد را از اسیر شدن در دام ظواهر بر حذر می‌دارد: «وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوقِعَهُمْ سِقْظًا مِّنْفِضَةٍ وَمَعَابِرَ جَعَلْنَاهَا يَأْطَهُ رُؤُوسًا: اگر (تمکن کفار از مواهب مادی) سبب نمی‌شد که همه مردم امت واحد (گمراهی) شوند، ما برای کسانی که به (خداوند)

رحمان کافر می‌شدند خانه‌هایی قرار می‌دادیم با سقف‌هایی از نقره و نردبان‌هایی که از آن بالا روند» (سوره زخرف، آیه ۳۳). از سویی دیگر توجه به زیبایی ظاهری نیز در آیات و روایات بسیاری مورد اشاره قرار گرفته است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به روایت از امام حسن مجتبی (ع) اشاره کرد که در آن خداوند را زیبا و دوست‌دار زیبایی معرفی کرده است «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّمُ لِزِينَتِ» (بحار الانوار، ج ۸۳: ۱۷۵). بر اساس این توضیحات، چنین به نظر می‌رسد که استفاده بجا و مناسب از عوامل زیبایی‌ساز و تزئینات در خانه، موضوعی است که همواره مورد توجه معماران و سازندگان بناها قرار داشته است. به عنوان مثال بعضی از فضاها در خانه نیاز به پرداخت تزئینات زیاد نداشتند که از آن جمله می‌توان به بخش‌های زیادی از اتاق‌های سه‌دری در فضاهای اندرونی خانه اشاره کرد. این در حالی است که با توجه به اهمیت بسیار بالای مهمان در فرهنگ مسلمانان، لزوم تزئین فضاهای مربوط به مهمان در بخش بیرونی خانه، از موارد قابل توجه به شمار می‌رفته است. بر این اساس چنین به نظر می‌رسد که دین اسلام، استفاده از تزئینات را تا حدی که انسان را گمراه نکند، مفید و در مواردی که ضرورتی احساس نمی‌شود امری بیهوده قلمداد کرده است. از این رو معمار مسلمان نیز با اتکا بر این مفاهیم به اعتدال در تزئینات به عنوان یک راهبرد در ذیل اصل پرهیز از بیهودگی توجه می‌نماید.

ب- استفاده از تزئینات کاربردی

واژه تزئین در فرهنگ ایرانی-اسلامی به معنای کارها و چیزهایی است که عیب و نقص را از بین می‌برد. بنا به این تعبیر، زینتی حقیقی است که انسان را در هیچ‌یک از حالاتش معیوب نساخته و وی را از شناخت حقیقت گمراه نماید (انصاری، ۱۳۸۱: ۶۳). این واژه و مشتقات آن در قرآن چهل و شش بار تکرار شده که علاوه بر بار معنایی مثبت، در مواردی نیز بار معنایی منفی داشته به نحوی که از آن با عنوان ابزاری برای شیطان یاد شده است (علوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۸). از این موضوع چنین برداشت می‌شود که از منظر قرآن، تزئینات در وجه مثبت خود

اساس از هرگونه افراط و تفریط هم در ساختار کلی بنا و هم در سطح و تزیینات به کار رفته در آن جلوگیری می‌شد.

د- ایجاد فضاهای چند عملکردی

از جمله ویژگی‌های خانه‌های سنتی، ساخت فضاهایی با عملکردهای چندگانه در سازمان فضایی آنها بوده است. این خانه‌ها عموماً به گونه‌ای ساخته می‌شدند که قابلیت سکونت چند خانوار را در کنار یکدیگر داشته باشند و در ساخت ریز فضاها به گونه‌ای عمل می‌شد که قابلیت استفاده برای افراد خانواده در زمان‌های مختلف و به منظور انجام انواع فعالیت‌ها را داشته باشند که این موضوع باعث صرفه‌جویی در وسعت و زیربنای ساختمان می‌شده است. این ویژگی در معماری با اصل پرهیز از ساخت بیش از نیاز خانواده و پیشگیری از اسراف و تبذیر در ساخت خانه انطباق دارد. در این باره امام علی (ع) در حدیثی می‌فرماید: «من الغناء ان المرء یجمع ما لا یاکل و یبني ما لا یسکن ثم یخرج الی الله تعالی لا ملاحمل و لابناء نقل»: یکی از رنج‌ها این است که انسان چیزی را آماده کند که نمی‌خورد و بنایی آماده کند که در آن سکونت نمی‌کند» (ری شهری، ۱۳۸۶). لذا چنین به نظر می‌رسد که انعطاف‌پذیر کردن فضاها و قابلیت استفاده از آن در زمان‌های مختلف و در جهت رفع نیازهای مختلف خانواده، از جمله راه کارهای عملی در جهت نیل به اصل پرهیز از بیهودگی است که در معماری سنتی به وضوح مورد تأکید معماران و سازندگان قرار داشته است.



تصویر شماره ۳: استفاده از ایوان به عنوان فضایی با کاربری چندگانه در خانه (خانه مرتاضی) مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳



تصویر شماره ۴: استفاده از گره چینی در ساخت اوریسی به عنوان یک نمونه تزیینات کاربردی (خانه لاری‌ها) مأخذ: www.kojaro.com

به عنوان ابزاری برای پوشاندن عیوب کاربرد داشته و در وجه منفی آن تحت عنوان تجملات مطرح شده و عاملی برای وابستگی به دنیا و دور ماندن از حقیقت قلمداد می‌شود. در همین خصوص نیز امام علی (ع) می‌فرماید «چیزی را بطلب که زیباییش برای تو برقرار و ذاتی و ویش از تو بر کنار باشد، که ثروت برای تو باقی نیست و تو هم برای آن باقی نخواهی بود» (نهج البلاغه: ۴۲۳). بنابراین دوری از اسراف و هم‌چنین پرهیز از انجام کار بیهوده به عنوان دو اصل اعتقادی در تفکر معمار مسلمان همواره نقش داشته و این موضوع در استفاده از عنصر تزیینات در بنا، وی را ملزم به استفاده عملکردی از آن در کنار بعد زیباشناسانه می‌نمود؛ به عنوان مثال ساخت کاربندی در زیر پوشش آسمانه، علاوه بر تزیین فضای داخلی، عاملی برای پوشش ظاهر نازیبای سقف سازه‌ای و هم‌چنین ابزاری برای دو پوش کردن سقف در جهت عایق‌سازی آن به شمار می‌رفته است (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۸).

ج- میانه روی در وسعت بنا

میانه‌روی و اجتناب از افراط و تفریط از جمله اصولی است که همواره در به تعادل رساندن جامعه نقش مهمی ایفا کرده است. همان‌گونه که اسلام استفاده بیش از حد از تزیینات را نفی می‌کند، در مورد فضاهای داخلی خانه نیز افراد را از ساخت فضاهای غیر ضروری برحذر می‌دارد. در این باره پیامبر اکرم می‌فرماید: «آنکه ساخت بیش از آنچه برایش کافی بود در روز جزا گفته می‌شود تا زیادی‌های ساختمان را بر دوش بکشد» (نهج الفصاحه: ۱۶۵). هم‌چنین امام صادق در خصوص منع ساخت خانه بیش از حد نیاز خانوار می‌فرماید: ساختمان بیش از نیاز افراد در قیامت مسئولیت ایجاد می‌کند «مَنْ بَنَى فَوْقَ مَا يَسْكُنُهُ كَلَّفَ حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (وسائل الشیعه، ج ۵: ۳۳۸). شایان ذکر است که منظور از این سخنان، ساخت خانه کوچک نیست چرا که در روایات دیگری خانه‌های کوچک نیز عاملی برای سلب آرامش معرفی شده است. در همین خصوص نیز پیامبر اکرم می‌فرماید: «سه چیز در این جهان مایه سعادت مرد مسلمان است؛ همسایه خوب، خانه وسیع و مرکب خوش رفتار» (پاینده، ۱۳۶۲: ۲۶۰-۲۶۱). ایشان در عین حال، خانه کم وسعت را نیز مذمت می‌نمایند (پیشین: ۲۵۴).

از موارد فوق چنین بر می‌آید که از دیدگاه اسلام، خانه‌ای باعث آرامش است که نیاز واقعی و عرفی خانواده ساکن در آن را برطرف نماید. از این رو برقراری تناسب میان نیازهای خانواده و وسعت بنا از جمله ملزوماتی است که در مبانی دینی بسیار مورد توجه قرار گرفته و این موضوع به عنوان یکی از وجوه نمودپذیری اصل پرهیز از بیهودگی در تفکر معمار مسلمان نقش بسته است. بر همین اساس وی نیز هم در طرح و ساخت کلیت بنا و هم در ساخت فضاها و عناصر داخلی خانه به گونه‌ای عمل می‌نمود که فضاها کاملاً متناسب با نیازهای خانواده شکل گیرند و هر فضا بر اساس عملکرد خاصی که از آن انتظار می‌رود، ساخته شود. بر این

نسبت به بیرون را نیز القا می‌کند. علاوه بر معیارهای مطروحه، توجه به بسیاری از ارزش‌های اسلامی نیز در اصل درون‌گرایی نهفته است که از جمله می‌توان به اهمیت دادن به درون (باطن) بیش از بیرون (ظاهر)، توجه به موضوع حیا، ذم تفاخر و خودنمایی، پرهیز از برهنگی و خودآرایی، تقویت وحدت جامعه و نمایش وحدت کالبدی اشاره نمود. این شیوه معماری علاوه بر آنکه به طور نمادین، توجه انسان به خدا و هم‌چنین پشت کردن به دنیا را به نمایش می‌گذارد، نمایشی از پاسخ به سیر در انفسی است که به تبعیت از تعالیم قرآنی به همراه سیر در آفاق، همواره مورد توجه عرفای مسلمان بوده است (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۰). بر این اساس چنین به نظر می‌رسد که توجه بیش‌تر به فضاهای درونی خانه و در عین حال ساده و بی‌آلایش نشان دادن ظاهر بیرونی آن، بیش از هر چیز ریشه در اعتقادات مذهبی مردم در خصوص توجه بیش‌تر به باطن در مقابل ظاهر داشته باشد. بر همین اساس معماری و شهرسازی اسلامی نیز با تکیه بر این مفاهیم، راه کارهای مختلفی را برای دست‌یابی به این اصل به کار گرفته است که در ذیل معرفی می‌شود.

الف- نهی از اشراف

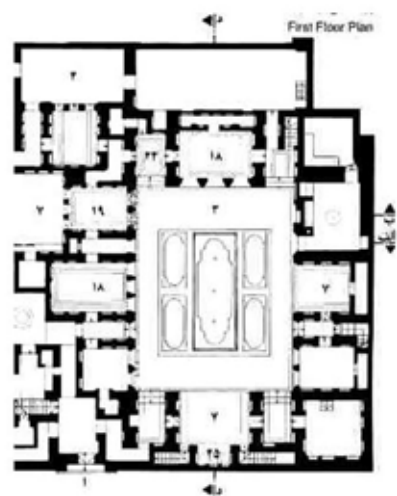
مصون بودن فضاهای داخلی خانه از اشراف و دید بیگانگان موضوعی است که آسایش خانواده بسیار به آن وابسته است. اگر خانه‌ای از دید دیگران مصون نباشد، دیگر محل آسایش و آرامش نیست. پیامبر اکرم در این خصوص می‌فرماید: «ان الله عزوجل کره لکم الاشیاء العیث فی الصلوه، الی ان قال: وادخال العین فی الدور بغیر اذن: خدای عزوجل چیزهایی را دوست ندارد از جمله بیهودگی در نماز و ... و چشم انداختن به داخل خانه‌ها بدون اجازه (طبرسی ۱۳۷۰، ج ۳: ۴۶۲)؛ هم‌چنین درجایی دیگر می‌فرمایند: «حق همسایه آن است که همسایگان بنای خود را از بنای او بالاتر نبرند و جریان هوا را بر وی مسدود نکنند» (پاینده، ۱۳۶۲: ۲۹۱). از این سخنان چنین برمی‌آید که علاوه بر تأکید بر ضرورت توجه به محرمیت از دیدگاه اسلام، نهی اشرافیت هم باید توسط صاحب‌خانه و هم توسط همسایگان رعایت شود. این موضوع هم در قالب استفاده از الگوی چیدمان مناسب فضا برای جلوگیری از مشرفیت نمود می‌یابد و هم در پرهیز از ساخت بناهایی با ارتفاع زیاد که موجب دید به ساختمان‌های اطراف می‌شود، قابل حصول است.

ب- ایجاد سلسله مراتب فضایی

وجود سلسله مراتب فضایی از جمله اصولی است که بیش‌ترین تأثیر را در شکل‌گیری محرمیت فضایی در ساختار معماری و شهرسازی سنتی ایران دارد. در لغت‌نامه جغرافیا، سلسله مراتب عبارت است از هرگونه نظامی متشکل از عوارض و پدیده‌ها که به صورت یک طبقه‌بندی یا رتبه‌بندی ذکر شود. این مفهوم در معماری خانه با تعبیر سلسله مراتب حضور و محرمیت شناخته



تصویر شماره ۵: اعتدال در تزیینات (خانه گلشن)
مأخذ: www.naghsh-negar.ir



تصویر شماره ۶: ساخت اتاقها با ابعادی متناسب با کارکردشان (خانه گلشن)
مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳

۲- درون‌گرایی

اصل درون‌گرایی یکی از اصول معماری اسلامی است که در سامان‌دهی اندام‌های مختلف بنا به‌ویژه در خانه‌های سنتی، بسیار مورد توجه بوده است. این امر برگرفته از اهمیت زندگی خانوادگی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که منجر به شکل‌گیری الگوی درون‌نگر در معماری این مرز و بوم شده است. معماران ایرانی با سازمان‌دهی اندام‌های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میان‌سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می‌کردند و تنها با یک هشتی این دو را به یکدیگر پیوند می‌دادند (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۳۵). در مباحث معمارانه، واژه درون‌گرایی به منزله توجه هر چه بیش‌تر به درون فضا و سادگی و بی‌آلایشی در بیرون توصیف شده است؛ به طوری که این تفکر در طراحی و ساخت بناها در قالب استفاده از آرایه‌های فاخر و زیبا در بخش داخلی خانه در مقابل جلوه ساده و بدون تزیین بیرون آن، نمود یافته است. دین اسلام نیز با تأکید بر موضوع محرمیت و حریم خانواده در خانه‌های مسلمانان، آن را مایه آرامش فرد تبیین می‌کند (نقره کار، ۱۳۸۷: ۵۰۲). محصوریت یاد شده نه تنها مفهوم جداسازی و تفکیک را نشان می‌دهد بلکه به نوعی مفهوم امتیاز و برتری درون

می شود (وثیق و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۶) و به واسطه رعایت این اصل، حوزه‌ها و قلمروهای مختلف فضایی از عمومی تا خصوصی (عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی) در محیط زندگی شکل می‌گیرد (نقی زاده، ۱۳۷۹).

موضوع تفکیک فضاهای درون خانه و سلسله مراتب دسترسی به آنها در آیات و احادیث نیز مورد توجه قرار گرفته است. از جمله آنها می‌توان به آیه ۲۷ سوره نور اشاره نمود که در باره چگونگی ورود به خانه و اذن ورود به آن مطرح و در آن بر داشتن حریم در فضاهای خانه تأکید شده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه کسی غیر از خانه خودتان داخل نشوید، تا آن که آشنایی دهید و بر اهل آن سلام کنید، این برای شما بهتر است، شاید که متذکر شوید (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱). پیامبر نیز در حدیثی بر لزوم تفکیک فضای خواب فرزندان با پدر و مادر تأکید داشته‌اند (نقیسی، ۱۳۹۰: ۱۶). امیرالمؤمنین نیز در نهج البلاغه بر لزوم داشتن حجاب در خانه تأکید کرده‌اند و این حجاب را به واسطه ساختن فضاها در خانه به گونه‌ای که از بیرون به آنها اشرافیتی وجود نداشته باشد، تبیین نموده‌اند (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ ج ۲، حدیث ۱۰۸۹) (ناری قمی، ۱۳۸۹: ۷۹). لذا با وجود چنین تأکیداتی در مبانی اسلامی در خصوص رعایت اصل سلسله مراتب فضایی، معمار و سازنده مسلمان نیز با استفاده از تکنیک حوزه بندی فضا و تفکیک آن به دو بخش اندرونی و بیرونی در پیکره بندی فضایی، این اصل را به جا آورده است. هم چنین قرار دادن پیش ورودی در هر فضا به منظور جلوگیری از ورود مستقیم و بدون اذن به فضا از دیگر راهکارهایی است که به منظور ایجاد سلسله مراتب فضایی در معماری سنتی مورد استفاده قرار گرفته است.

ج- ایجاد حریم

از جمله موضوعات مهمی که در مبانی اسلامی تأکید فراوانی بر آن صورت گرفته است، مسأله حفظ حریم خصوصی افراد می‌باشد. حریم در فقه به معنای منع کردن از چیزی است که نزدیک شدن به آن برای غیر صاحبش ممنوع است (مجلسی، ۱۳۸۴: ۹۹). موضوع حریمت در خانه و حفظ حریم خانواده از جمله مهم ترین موضوعاتی است که توسط معماران و سازندگان بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت این موضوع علاوه بر خواستگاه فرهنگی آن، به خاطر تأکیدات فراوانی است که در منابع دینی نسبت به این مهم صورت گرفته است. به عنوان مثال خداوند در سوره نور می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس و اجازه ندارید وارد نشوید و چون رخصت یافته، داخل شوید (سوره نور، آیه ۲۷). با توجه به این آیه، ورود ناگهانی و

بدون آشنایی دادن به فضای خصوصی خانه ممنوع است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۱۳). هم چنین در آیه ۶۱ سوره نور به معرفی محارم می‌پردازد و در آن از این افراد به عنوان کسانی یاد می‌کند که اجازه ورود به اندرونی خانه را دارند «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْهُم مِّمَّاتُهُمْ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» باینها و افراد لنگ و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند)، و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه‌های خودتان [=خانه‌های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می‌شود بدون اجازه خاصی] غذا بخورید؛ و هم چنین خانه‌های پدرانتان، یا خانه‌های مادرانتان، یا خانه‌های برادرانتان، یا خانه‌های خواهرانتان، یا خانه‌های عموهایتان، یا خانه‌های عمه‌هایتان، یا خانه‌های داییهایتان، یا خانه‌های خاله‌هایتان، یا خانه‌ای که کلیدش در اختیار شماست، یا خانه‌های دوستانتان، بر شما گناهی نیست که به طور دسته جمعی یا جداگانه غذا بخورید؛ و هنگامی که داخل خانه‌ای شدید، بر خویشان سلام کنید، سلام و تحیتی از سوی خداوند، سلامی پربرکت و پاکیزه! این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می‌کند، باشد که بیندیشید» (سوره نور، آیه ۶۱). در سوره بقره نیز در مورد آداب ورود به خانه و توجه به حفظ مسأله حریمت در آن صحبت به میان آمده است: «تَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَىٰ وَآتَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» در باره «اهل‌های ماه» از تو سؤال می‌کنند؛ بگو: «آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است». و (آن چنان که در جاهلیت مرسوم بود که به هنگام حج، که جامه احرام می‌پوشیدند، از در خانه وارد نمی‌شدند، و از عقب پشت خانه وارد می‌شدند، نکنید!) کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید؛ بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید! و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید» (سوره بقره، آیه ۱۸۹) با وجود چنین تأکیداتی که به طور مشخص و مستقیم، مسأله حفظ حریم خصوصی در خانه مسلمان را مورد توجه قرار داده‌اند، معماران و سازندگان با به کارگیری روش‌ها و تکنیک‌های مختلف در خانه، سعی در پاسخ به این چالش فرهنگی برآمده‌اند. از جمله این اقدامات می‌توان به ساخت هشتی به عنوان یک فضای تقسیم در بدو ورود به خانه و نیز ساخت یک فضا به عنوان پیش‌وردی به منظور ورود به سایر فضاهای خانه اشاره نمود. هم چنین تفکیک خانه به دو حوزه اندرونی و بیرونی و قرار دادن بخش اندرونی در بیشترین فاصله نسبت به ورودی و ایجاد پیچ و خم در مسیر ورود

اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید بدانید کهبندگان ملکی شما و اطفال شما که هنوز به وقت احتلام و زمان بلوغ نرسیده‌اند باید شبانه روزیسه مرتبه از شما اجازه ورود بخواهند: یک بار پیش از نماز صبح و دیگر هنگام ظهر که جامه‌ها را از تن برمی‌گیرید و دیگر پس از نماز خفتن، که این سه وقت هنگام عورت و خلوت شماسست و بعد از این سه بار اجازه، دیگر باکی بر شما و آنها نیست که بی‌دستور با بندگان و اطفال خود گرد یکدیگر جمع شوید و هر ساعت در کارها به شما مراجعه کنند. وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ: و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند؛ اینچنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است» (سوره نور، آیات ۵۸ و ۵۹).

بر همین اساس تأمین خلوت افراد در خانه و به ویژه حفظ حریم خصوصی پدر و مادر و تأکید بر تفکیک فضای مخصوص آنها از دیگر اتاق‌ها (به ویژه کودکان) به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های معماران و سازندگان در معماری سنتی ایران به شمار می‌رفته است. در همین راستا ایجاد فضاهایی چون صندوق‌خانه‌ها، بالاخانه‌ها، اتاق‌های گوشواره و فضاهایی از این قبیل به منظور تأمین نیاز به خلوت ساکنان به‌ویژه پدر و مادر، از جمله راه کارهای عملی است که معمارسنتی به منظور ایجاد خلوت فضایی در خانه به کار می‌گرفته است.



تصویر شماره ۷: نهی اشرافیت با استفاده از مسدود کردن دید مستقیم از بیرون به داخل بنا (خانه مرتاض)؛ مأخذ: نگارندگان

به عرصه‌های خصوصی نیز از دیگر اقدامات معماران جهت افزایش محرمیت فضایی در خانه‌ها می‌باشند (مومنی و ناصری، ۱۳۹۴).

د- ایجاد مرکزیت

مفهوم مرکزیت به این معناست که خداوند مرکز زمانی - مکانی و منشا همه مفاهیم موجود است. این مفهوم در تفکر اسلامی ریشه در اصل توحید دارد. مفهوم وحدت به عنوان تجلی تفکر توحیدی مسلمین، از جمله مقولاتی است که در علوم و فنون و هنرهای مختلف، همواره مورد توجه مسلمین بوده است. در همین زمینه، بورکهارت معتقد است که «میراث عظیم هنری چه از میان رفته و مورد غفلت قرار گرفته باشد و چه مجدداً قابل کشف باشد، هنری سنتی است. هنرسنتی نه به مثابه یک شیئی بلکه به عنوان یک روش که مهارت فنی را با شهودی معنوی که از توحید سرچشمه می‌گیرد، در هم می‌آمیزد» (نقی‌زاده به نقل از بورکهارت، ۱۳۷۹: ۱۱). بنابراین نمایش وحدت در ساختار بنا به شیوه‌های مختلفی نمود می‌یابد که یکی از آنها، ساخت حیاط مرکزی در خانه است. در این حالت با استقرار حیاط در بخش میانی خانه و چینش سایر فضاها در اطراف آن، به نوعی بر مفهوم سیر از کثرت به وحدت در ارتباط با تفکر توحیدی اشاره می‌نماید.

در شیوه تفکر سنتی، کعبه با هندسه منظم خود به عنوان مرکز عالم و مبدا حقیقت شناخته می‌شود. لذا معمارسنتی با تکیه بر این شیوه تفکر، سعی بر آن داشته که این الگوی مثالی را در خانه نیز پیاده نماید. از این رو با ساخت حیاط در مرکز خانه و انتخاب هندسه چهارگوش و منظم برای آن به عنوان تمثیلی از زمین و نیز استقرار توده در اطراف آن، جلوه‌ای از سیر از ظاهر به باطن را به نمایش گذاشته است. در این تفکر هدف از سکونت ایجاد قبله است و هر خانه به عنوان قبله و مرکز عالم برای ساکنانش به حساب می‌آید (الهی قمشه‌ای، ۱۳۹۰). این مضمون در قرآن نیز به صورت صریح مورد اشاره قرار گرفته است: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءْ لِقَوْمِكُمْ مِمَّصْرَ بَيْوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ: و به موسی و برادرش (هارون) وحی کردیم که شما برای پیروانتان در شهر مصر منزل گیرید و (اکنون که از بیم فرعونیان به مساجد نتوانید رفت)، خانه‌هایتان را قبله و معبد خود قرار دهید و نماز به پا دارید» (سوره یونس، آیه ۸۷).

ه- ایجاد خلوت

حفظ حریم خصوصی افراد ساکن در خانه یکی از مهم‌ترین مسائل مورد توجه در مکتب اسلامی به شمار می‌رود. خداوند نیز درقرآن کریم به رعایت خلوت دیگران تأکید فراوان کرده است که از آن جمله می‌توان به آیات ۵۸ و ۵۹ سوره نور اشاره نمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَصْعُونَ فِي بُيُوتِكُمْ مِنَ الظُّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ

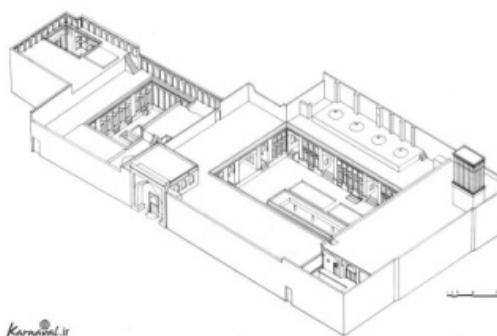
دست می‌یافتند. لذا پیمون به عنوان ابزاری در دستان معمار بود که از آن برای خلق آثاری زیبا استفاده می‌کرد. بر این اساس چنین به نظر می‌رسد که در تفکر معمار سنتی، مفهوم نیارش علاوه بر ابعاد سازه‌ای بنا، به موضوع زیبایی آن نیز توجه داشته است.

موضوع زیبایی از جمله مفاهیمی است که همه مکاتب فکری به آن توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند و جملگی در پی ارائه تعریفی از آن و هم‌چنین مدعی شناختن مختصات آن بوده‌اند. این موضوع در مبانی اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که زیبایی جنبه‌های مختلفی دارد و شامل زیبایی‌های مادی و معنوی می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۷۹). بنا به دیدگاه اندیشمندان اسلامی، منظور از زیبایی معنوی نوعی علم حضوری، شهودی و درونی بر پایه علم اخلاق است که هنرمند در درون خود ایجاد کرده و به این ترتیب به خلق آثار زیبا منجر می‌شود (نقره‌کار، ۱۳۸۹: ۵۹). لذا چنین به نظر می‌رسد که زیبایی‌های مادی نتیجه توجه به زیبایی‌های معنوی است که هنرمند در درون خود پرورش داده است. در ادامه به وجوهی از زیبایی‌های مادی که به واسطه اصل نیارش و ابزار پیمون در آثار معماری شکل می‌گیرند اشاره می‌شود.

الف- تقارن

اصل تقارن در معماری سنتی ایران یکی از وجوه زیبایی بصری است. در این شیوه معماری، ساخت بنا به صورت متقارن به عنوان یکی از ارزش‌های زیبایی‌شناسانه مطرح بوده و هم در کلیت بنا و هم در ساخت جزئیات آن از این اصل پیروی شده است. در این شیوه با استقرار حیاط با یک هندسه منظم در مرکز بنا و چینش عناصر و اجزای خانه در اطراف آن علاوه بر ایجاد تقارن محوری، مفهوم وحدت بین اجزا نیز به نمایش گذاشته شده است. این موضوع در جزئیات بنا شامل ساخت متقارن گره‌چینی‌ها در درها و پنجره‌ها و نیز انواع تزیینات به کار رفته در خانه نیز مد نظر بوده است.

در آیات و روایات اگرچه به صورت مستقیم اشاره‌ای به موضوع تقارن نشده است اما در آیه ۷ سوره شمس خداوند به جان آدمی و کسی که آن را این چنین منظم آفریده است، سوگند یاد می‌کند: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا؛ و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته». با این حال چنین به نظر می‌رسد که آنچه در مورد مفهوم تقارن بیش از هر چیز مورد توجه است، تأکید بر اصل وحدت در فلسفه اسلامی است. این بدان معنی است که زمانی که معمار بنا را حول یک محور و یا اجزای بنا را حول یک نقطه به صورت متقارن نظام می‌دهد، به نوعی بر اصل وحدت وجود و سیر از کثرت به وحدت تأکید دارد که در مفهوم توحید ریشه دارد. این مفهوم در آیات و روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است و به نوعی اساسی‌ترین و زیربنایی‌ترین اصل در مکتب اسلام به شمار می‌رود. لذا چنین به نظر می‌رسد که این موضوع بر تفکر معمار مسلمان تأثیر گذاشته و خلق آثار خود را بر مبنای وجود تقارن در جهت تبیین مفهوم وحدت در خلقت استوار کرده است.



تصویر شماره ۸: ایجاد مرکزیت با استقرار در بخش مرکزی خانه (خانه لاری‌ها)
مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳



تصویر شماره ۹: ایجاد محریمیت فضایی از طریق ایجاد پیش ورودی قبل از ورود به فضای اصلی (خانه مرتاض)؛ مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۰: وجود حیاط مرکزی و وجود عنصر آب و گیاه، عاملی برای ایجاد خلوت و تفکر (خانه مرتاض)؛ مأخذ: نگارندگان

۳- نیارش

نیارش در ادبیات معماری گذشته ایران در حوزه دانش ایستایی، فن ساختمان و شناخت ساختمانی آن به کار می‌رفته است. معماران گذشته به نیارش ساختمان توجه بسیاری داشتند و آن را از زیبایی ساختمان جدا نمی‌دانستند به نحوی که به گفته استاد پیرنیا، نیارش به عنوان یکی از اصول معرفه معماری ایرانی مطرح بوده است (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۹). آنها با تعریف مفهومی به نام "پیمون"، عناصر و اجزای مختلف بنا را به مقیاس‌های خرد و یکسان تقسیم می‌کردند و علاوه بر اجرای سازه‌ای آنها، از منظر زیبایی نیز به الگویی مناسب



تصویر شماره ۱۲: ایجاد تقارن محوری در نما با استفاده از متقارنسازی بازوها حول ایوان (خانه لاری ها)؛ مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳

۴- خودبستگی

از دیدگاه استاد پیرنیا، خودبستگی در معماری به مفهوم نوعی خودکفایی است که بیش از هر چیز در زمینه استفاده از مصالح بوم آورد در ساخت بنا در جهت کاهش هزینه‌های ساخت و پرهیز از اسراف و بیهودگی در آن مطرح است. به تعبیر ایشان، معماران ایرانی همواره تلاش می‌کردند که مواد اولیه مورد نیاز خود را از نزدیک‌ترین مکان‌ها فراهم آورند و مصالح ساختمان‌سازی را به گونه‌ای انتخاب کنند که نیازمند به مواد اولیه از مکان‌های دیگر نبوده و به تعبیری خودبسته باشد. بدین گونه کار ساخت با شتاب بیش‌تری انجام می‌گرفت و ساختمان نیز با طبیعت پیرامون خود "سازگارتر" می‌شد و هنگام نوسازی آن نیز همیشه مصالح اولیه در دسترس بود (پیرنیا، ۱۳۸۲).

قطع وابستگی به دیگران در اسلام به عنوان یک ارزش مطرح است و در همین خصوص امیرالمؤمنین می‌فرمایند: «آن‌گاه که فرد و جامعه‌ای مورد لطف الهی قرار گیرد، خداوند توفیق خود اتکایی و خودکفایی به آن‌ها عنایت می‌کند» (الحیاء؛ ج ۳: ۲۰۸). چنین به نظر می‌رسد که در معماری سنتی، از تکنیک‌ها و روش‌های مختلفی برای خودکفا نمودن ساختمان هم از منظر تأمین ساخت مایه و هم از نظر تکنولوژی ساخت بهره گرفته می‌شد.

الف- مکانیابی مناسب

انتخاب مکان برای ایجاد مسکن توسط انبیا امری الهی بوده و بر اساس نماز و عبادت انجام می‌پذیرفته است (سوره ابراهیم، آیه ۳۷). این موضوع در قرآن به صورت دقیق‌تری مورد اشاره قرار گرفته است که از جمله آن می‌توان به آیه ۷۴ سوره مبارکه اعراف اشاره کرد: «وَ اذْکُرُوا اِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأْنَا فِي الْاَرْضِ تَنْخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْجِسُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْکُرُوا آيَةَ اللّٰهِ وَ لَا تَعْتَوُوا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ: و به یاد آرید هنگامی که شما را جانشینانی پس از قوم عاد قرار داد و شما را در روی زمین جای داد که از مواضع هموارش قصرها (ی تابستانی) می‌سازید و از دل کوه‌ها تراشیده خانه‌ها (ی زمستانی) می‌سازید پس نعمت‌های خدا را متذکر شوید و در روی زمین تبهکارانه به فساد برنخیزید» (اعراف، آیه ۷۴). بر اساس این آیه در مناطق گرم و خشک،

ب- تعادل

تعادل یکی از مشتقات و تجلیات مفهوم عدل است که در آثار هنری به ویژه معماری نمود می‌یابد؛ به عبارت دیگر هر مجموعه و یا کالبد متعادل مجموعه یا کالبدی است که انتظام آن بر اساس رعایت اصول عدل انجام شده باشد (نقی زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۶). در جهان‌بینی اسلامی، عدل یکی از ویژگی‌های فعل الهی است که مشتقات و معانی مختلف آن در متون اسلامی بیانگر اهمیت و بنیادی بودن این اصل برای خلق و ایجاد بهترین، منظم‌ترین و زیباترین آثار است (پیشین، ۱۸۲). در قرآن، آیات مختلفی به این موضوع اشاره داشته‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به آیه ۷ سوره انفطار اعتدال در خلقت اشاره کرد. خداوند در این سوره می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ: خدایی که تو را آفرید و اندام‌هایت را (به) قرار دادن هر عضوی در محل مناسب خود از بدن، طبق حکمت بالغه) درست و منظم ساخت و (با ایجاد توازن و تعاون میان اعضا در ایفاء اهداف مربوطه) تعدیل کرد و سامان داد» (انفطار، آیه ۷). چنین به نظر می‌رسد که معمار مسلمان در ساخت بنا از این مفهوم بهره برده است و مفهوم تعادل به معنای استفاده بجا از هر چیزی در جای خود را هم در مقیاس جزئیات بنا و هم در کلیت بنا مورد توجه قرار داده است. در مقیاس جزئیات، مفهوم تعادل در استفاده از تزینات در فضاهای مختلف با توجه به کارکرد آن نمود یافته است؛ به این معنی که در فضاهای عمومی تر مانند شاه‌نشین، هشتی و... از تزینات بیش‌تری استفاده می‌شده و در فضاهای خصوصی و اندرونی، تزینات کم‌تر و در مقابل ساخت عناصر فضا ساز و کارکردی مانند تاقچه، رف و گنجه و... بیش‌تر مورد توجه بوده است. موضوع حفظ تعادل در ارتباط با نیارش نیز به طور مستقیم مورد توجه قرار داشته است؛ به این معنی که در ساخت هر طاق در بدنه بنا، به منظور حفظ تعادل سازه‌ای، طاق‌های کوچک‌تری در دو طرف آن نیز ساخته می‌شد تا بدین وسیله از رانش آن جلوگیری به عمل آید. این موضوع باعث ایجاد تقارن در فضا نیز می‌شده است.



تصویر شماره ۱۱: ایجاد تعادل با استفاده از ایجاد ریتمدر بازوها (خانه مرتاض)؛ مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳

ساخت خانه در زمین های هموار و در مناطق سردسیری، استفاده از شیب کوهستان، بهترین مکان برای ساخت خانه به شمار می رود.

ب- تأمین آسایش حرارتی و برودتی

ساخت خانه به صورتی که توانایی تأمین شرایط حرارتی و برودتی خود را داشته باشد، از جمله ویژگی های معماری سنتی ایرانی و یکی از نمودهای اصل خودبسندگی در معماری است. در این شیوه، با استقرار حیاط در در بخش مرکزی ساختمان، خانه به دو بخش شمالی و جنوبی تحت عنوان تابستان نشین و زمستان نشین تقسیم می شود که با این شیوه، از تابش آفتاب به عنوان عامل گرمایش بخش شمالی و از وزش باد بر روی سرداب به منظور خنک کردن بخش جنوبی استفاده می شد. تأمین آسایش به این شیوه باعث صرف کم ترین میزان انرژی و بهره برداری هرچه بیش تر از ظرفیت های طبیعی می شده است. همچنین در این زمینه از مصالحی استفاده می شد که از ظرفیت حرارتی بالایی برخوردار بوده و توانایی نگهداری انرژی حرارتی را به مدت طولانی دارا باشند. بدین ترتیب علاوه بر ساخت بنا با مصالح بوم آورد، به نوعی موضوع خودکفایی در ساخت نیز مورد توجه قرار می گرفته است.

۵- مردم‌واری

خانه به عنوان یکی از مهم ترین فضاهای معماری است که رابطه مستقیمی با خود انسان برقرار می کند. لذا صورت زمینی مسکن به عملکردهای مورد نیاز انسان و ابعاد انسانی وی جوابگو است و سیرت معنوی آن در صدد پاسخ گویی به اعتقادات و باورهای ساکنان آن می باشد (بمانیان، ۱۳۹۱). مردم‌واری به عنوان یکی از اصول پنج گانه معماری است که به تعبیر استاد پیرنیا در ارتباط با رعایت تناسب میان اندام های ساختمانی با اندام های انسان مطرح بوده و به وجوه مختلف نیازهای ساکنان در خانه توجه دارد (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۶). بنا به تعبیر ایشان، مفهوم مردم‌واری در دو حوزه رعایت تناسب انسانی فضا و هم چنین رفع نیازهای مختلف انسان شامل نیازهای مادی و معنوی فرد در محیط خانه نمود می یابد. در ذیل به بررسی این دو بعد از مفهوم مردم‌واری و ارتباط آن با مبانی اسلامی پرداخته می شود.

الف- رعایت مقیاس فضایی

یکی از مهم ترین اصول مورد تأکید مبانی اسلامی، توجه به اصل کرامت انسانی است. این بدان معنی است که با توجه به جایگاه والای انسان در نظام خلقت، هیچ مصنوع و ساخته بشری نباید نسبت به آن برتری و یا سلطه داشته باشد. این موضوع علاوه بر وجوه مادی و فیزیولوژیک انسان، در ارتباط با ابعاد روانی و معنوی وی نیز صادق است (نقی زاده، ۱۳۸۵). بر همین اساس یکی از راه کارهای دست یابی به مردم‌واری در معماری اسلامی، رعایت وسعت و اندازه در ساخت فضاهای مختلف است. این بدان معنا است که در ساخت اندام ها و اجزای فضا، به گونه ای عمل می شود که فضاها وسعتی متناسب با عملکردشان داشته باشند. این موضوع در احادیث و روایات نیز مورد اشاره قرار گرفته

است. به عنوان مثال می توان به حدیثی از امام صادق (ع) در این خصوص اشاره کرد که می فرماید: «كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ يَكْفَأُ فِهُوَ وَبِأَلْ عَمَلِ صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» هر مقدار ساختمانی که بیش از اندازه است برای تو وبال است یکی برای خواب فرزندان و دیگری برای مهمان البته به تناسب افراد فرق می کند» (کافی، ج ۶: ۵۳۱). بر همین اساس این تفکر در میان معماران و سازندگان همواره وجود داشت که هیچ فضایی را بیش تر از نیاز افراد نسازند. به عنوان مثال در ساخت اتاق سه دری که بیش تر به منظور خوابیدن افراد به کار می رفت، به گونه ای عمل می شد که نیاز یک خانوار را مرتفع سازد. در این حالت پهنای اتاق خواب به اندازه یک بستر بوده و افراز تاقچه و رف به اندازه ای در نظر گرفته می شد که نشسته یا ایستاده به آسانی در دسترس باشد (پیرنیا، ۱۳۸۳).

ب- پرهیز از ارتفاع بلند بنا

از دیگر ابعاد مردم‌واری که در اکثر خانه های سنتی همواره مورد تأکید معماران و سازندگان قرار داشت پرهیز از ارتفاع زیاد در بنا بود. این موضوع هم در خصوص ارتفاع کلی بنا و هم در مورد ارتفاع فضاهای داخلی خانه، مورد توجه بوده است. آیات و روایات بسیاری نیز این موضوع را مورد اشاره قرار داده اند. از جمله می توان به سوره شعرا اشاره نمود: «أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ: آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه ای از روی هوا و هوس می سازید؟» (سوره شعرا، آیه ۱۷۸). هم چنین رسول اکرم موضوع پرهیز از ساخت بنا با ارتفاع زیاد را از منظر حق همسایگی و نیز زیبایی شهری مورد توجه قرار داده و پرداختن به این امر را ناپسند می داند (پاینده، ۱۳۶۲: ۲۹۱). در باره ارتفاع فضای داخلی امام صادق در حدیثی می فرماید: شکالیه رجل عبث اهل الارض باهل بیهة وبعیاله فقال کم سقف بیتک فقال عشرة اذرع فقال اذرع ثمانية اذرع ثم اکتب آیه الکرسی «چون ارتفاع خانه از هشت ذراع بیش تر شد بر بلندای آن آیه الکرسی بنویس» (عاملی، ۱۴۰۹: ۶۶۴۰). بر اساس این حدیث، ارتفاع مناسب برای فضاهای داخلی حدود ۴ متر است که این موضوع در فضاهای مختلف بسته به درجه اهمیت آنها و نیز نوع عملکردشان، به صورت های متفاوتی نمود یافته است. به عنوان مثال، هشتی که فضایی پیش ورودی و عمومی قلمداد می شود، دارای ارتفاع بیش تری نسبت به دالان به عنوان محل گذر است. در مورد فضاهای داخلی خانه نیز بسته به نوع کاربری فضا، ارتفاع متفاوت در نظر گرفته می شد. به عنوان مثال شاه نشین که فضایی برای حضور میهمان بود، به منظور القای شکوه بیش تر، از ارتفاع بیش تری (حدود دو طبقه) برخوردار بود و سایر اتاق ها شامل پنج دری، سه دری، پستو و راهروهای ارتباطی به ترتیب دارای ارتفاع های کم تری بوده اند. با این حال آنچه که در اصل مردم‌واری به ویژه در خصوص ساخت بنا با ارتفاع و مقیاس فضایی مناسب مورد توجه معماران بوده است، پرهیز از ساخت فضا با ارتفاعی بالاتر از حد معمول بود.

ج- پرهیز از تشخیص

یکی از وجوه مردم‌واری در معماری اسلامی، پرهیز از تشخیص و

تفریح، کار و خوابیدن)، حقوق خانواده (حقوق زوجین و مانند آن)، حقوق همسایگی، حقوق شهروندی و معرفی می‌شوند.



تصویر شماره ۱۳: پرهیز از ارتفاع بلند بنا (خانه مرتاض); مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۴: پرهیز از تشخیص با رعایت سادگی در نما (خانه لاری‌ها); مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۵: رعایت مقیاس فضایی با تغییر ارتفاع متناسب با کاربری (خانه گلشن); مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳



تصویر شماره ۱۶: ایجاد حیاط‌های مخصوص برای افراد ساکن در خانه (خانه گلشن); مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳

خودنمایی در ظاهر بیرونی بنا به ویژه در خانه است. این موضوع در قرآن تحت عنوان تکاثر مطرح شده است و به معنای فزون‌طلبی و فخرفروشی به دیگران است که در معماری به صورت‌های مختلفی امکان ظهور دارد. خداوند پرهیز از تکاثر را توصیه نموده و عدم تکاثر در جنس مصالح، گونه‌های سکونت‌گاهی و کاربردهای آنها را به اشکال مختلف گوشزد کرده است که از آن جمله می‌توان به آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ سوره مبارکه شعراء اشاره نمود. در این آیه می‌فرماید: «أَتَيْتُونَنِي بِحُلٍّ رِيحٍ أَبِيَّةٍ لَتَغِبُّنَّ: (هود به مردم گفت): آیا بر هر تپه‌ای بنا و قصری بلند از روی هوا و هوس می‌سازید؟ وَتَتَخَذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ: و کاخ‌های استوار می‌گیرید، به امید آنکه جاودانه بمانید!» بر این اساس معمار مسلمان با تکیه بر این اصل، سیمای خارجی خانه را کاملاً ساده و بدور از هر گونه تزیینات می‌ساخت و بدین ترتیب با احترام به هویت جمعی شهر به عنوان یک ارزش در حوزه مردم‌واری، ساکنان را از تکبر و خودنمایی نسبت به یکدیگر دور می‌داشت.

د- تأمین نیازهای مختلف افراد ساکن

یکی از وجوه مردم‌واری به ویژه در ساخت خانه، توجه به نیازهای مختلف ساکنان آن است. در بینش اسلامی، انسان جانشین خدا بر روی زمین معرفی شده و خانه جایگاه اصلی زندگی انسان در جهان است. لذا نوع طراحی آن سبب می‌شود تا روابط وی با پیرامونش مشخص و در شکل‌گیری و بهره‌گیری از خانه مؤثر شود (وثیقی، ۱۳۹۲: ۲۶). انسان مسلمان ضمن این که با ساختن سرپناه، نیازها و مقاصد مادی و فیزیکی خود را تأمین می‌کند، تعلقات مذهبی، فرهنگی و سنت‌های بومی، حالات عاطفی و تمایلات درونی خویش را نیز در خانه به نمایش می‌گذارد. به این ترتیب خانه مسلمان نمادی از هویت وی و محل نمایش باورها و اعتقادهای مذهبی وی می‌شود. حیات انسان در سه بعد جسمانی، نفسانی و روحانی قابل تقسیم است که متناسب با این سه ساحت از حیات انسان، نیازهای انسانی نیز به سه بخش نیازهای مادی یا فیزیولوژیک، نیازهای نفسانی و نیازهای روحانی قابل تقسیم هستند (نقی‌زاده، ۱۳۸۵). خانه در مقام تأمین نیازهای مادی انسان به عنوان سرپناه برای حفاظت وی از مخاطرات خارجی عمل می‌کند. در بعد نفسانی، خانه، نیازهایی چون تأمین امنیت، آسایش و تعلق خاطر را برای ساکنان خود فراهم می‌آورد و در نهایت در بعد روحانی، نیازهایی چون هویت‌مندی، تعالی، تقوا و کمال را برای انسان ساکن پاسخ می‌گوید. بر این اساس خانه مطلوب از منظر مبانی اسلامی شامل خانه‌ای است که به کلیه این نیازها به صورت توأمان توجه داشته و با استفاده از تکنیک‌هایی هم‌چون ایجاد سلسله مراتب فضایی، ایجاد محریمیت فضایی، اختصاص فضاهای مختلف برای انجام عملکردهای متفاوت در خانه و نیز ایجاد فضاهای برای التقاط عملکردهای جمعی (مانند حیاط) و مواردی از این دست، زمینه تأمین نیازهای مختلف فرد و خانواده وی را فراهم می‌آورد که تحت عنوان حقوق فرد در خانه (استراحت،

نتیجه گیری

دین اسلام در همه وجوه زندگی انسان جاری و ساری است و بر اساس آموزه‌های این دین، هیچ چیز در عالم وجود ندارد که متأثر از امر مقدس نباشد. شریعت از طریق منابع خود، اصول ویژه‌ای را در حوزه‌های مختلف به منظور حمایت از ارزش‌های اجتماعی اسلام تدوین کرده است. این موضوع منجر به آن شده که فرد مسلمان، حتی در ارتباط با جزئی‌ترین مسائل زندگی خویش نیز از مبانی این دین تأسی جوید. بر همین اساس در هر فعل انسان مسلمان، ردپای آموزه‌های اسلامی قابل مشاهده است و هدف از آن فعل، جز رضایت خدا چیز دیگری نیست. معماری نیز به عنوان مصنوع و ساخته دست انسان، از این قاعده مستثنا نبوده است. معمار مسلمان با علم بر جایگاه رفیع انسان به عنوان خلیفه خدا بر روی زمین، در ساخت خانه به عنوان مکانی برای حیات وی، سعی بر آن داشت که در جای جای آن، نشانه‌هایی از تفکر توحیدی را نمایان سازد تا بدین واسطه انسان را در نیل به هدف غایی خلقت خویش که رسیدن به کمال الهی است، همراهی نماید. در این شیوه تفکر، معماری نه به عنوان زندانی که انسان را به خود مجذوب داشته بلکه به عنوان ابزاری برای کمال انسان تلقی می‌شود. بر همین اساس در ساخت خانه از مکان‌یابی آن تا استفاده از مصالح و یا حتی نوع تزئیناتی که در جداره‌های آن به کار می‌رود، از موازین و آموزه‌های اسلامی بهره می‌جوید. این آموزه‌ها در بطن آیات قرآنی و یا روایات معصومین قرار داشته و در قالب فرهنگ اسلامی، نسل به نسل و سینه به سینه انتقال داده می‌شد.


بنا به منابع موجود، معماری ایرانی-اسلامی دارای اصول و قواعد خاصی است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به پنج اصل پرهیز از بیهودگی، درون‌گرایی، مردم‌واری، نیارش و خودبسندگی اشاره داشت که توسط استاد پیرنیا معرفی شده است. این اصول هم ابعاد مادی و هم ابعاد معنوی معماری را مورد توجه قرار داده‌اند. با اصل پرهیز از بیهودگی، پرهیز از اسراف و زیاده‌روی و توجه به

اعتدال در معماری اسلامی در قالب راه‌کارهایی هم‌چون اعتدال در تزئینات، ساخت فضاهای چند عملکردی در خانه، پرهیز از ارتفاع بلند بنا، رعایت وسعت و اندازه در ساخت اندام‌های مختلف بنا و استفاده از تزئینات کاربردی، به اجرا درآمده است. اصل درون‌گرایی از منظر مبانی اسلامی به معنی توجه هرچه بیش‌تر به ابعاد درونی انسان و دوری‌گزینی از تظاهر و تجمل و مادی‌گرایی با استفاده از راه‌کارهایی چون نهی اشراف، سلسله مراتب دسترسی، توجه به باطن، سلسله مراتب روشنایی، ایجاد خلوت، حفظ حریم محیطی، ایجاد مرکزیت، پیوند با طبیعت، ایجاد سکون و آرامش و ایجاد محرمیت فضایی نمود یافته است. اصل مردم‌واری از دیگر اصول حاکم بر معماری ایرانی-اسلامی است که با استفاده از راه‌کارهای عملی چون رعایت مقیاس در ارتفاع فضایی اندام‌های داخلی خانه و تأمین نیازهای مختلف افراد ساکن در سطوح مختلف بدر معماری خانه‌ها تجلی یافته است. اصل نیارش در معماری ایرانی اسلامی علاوه بر تأکید بر استحکامات بنا، به مبانی زیبایی‌شناسی نیز توجه دارد. بر همین اساس معمار مسلمان با تکیه بر مفاهیمی چون تعادل و تقارن، سعی در اعمال این اصل در ساخت معماری خانه داشته است. در نهایت اصل خودبسندگی به عنوان پنجمین اصل در معماری ایرانی اسلامی است که بنا بر آموزه‌های اسلام، استفاده هرچه بیش‌تر از منابع موجود و در دسترس را مورد تأکید قرار داده است. بر همین اساس معمار مسلمان این اصل را در راه‌کارهایی چون مکان‌یابی مناسب خانه و عناصر و اجزای درونی آن و استفاده از تکنیک‌هایی که بنا بتواند خود شرایط آسایش حرارتی و برودتی خود را تأمین کند، به اجرا در آمده است.

اصول پنج‌گانه معماری ایرانی-اسلامی، راه‌کارهای عملی و معمارانه مرتبط با آنها و در نهایت آیات و روایاتی که این اصول و راه‌کارها از آن ریشه گرفته‌اند و در جدول شماره ۱ آمده است. این اصول در نمونه‌های موردی پژوهش در شهر یزد شامل خانه لاری‌ها، خانه مرتاض و خانه گلشن مورد بررسی قرار گرفته است.


جدول شماره ۱: جمع‌بندی آموزه‌ها و مباحث مطرح شده

نمونه عملی در معماری اسلامی	راه‌کار عملی	تفسیر	آیات و روایات مرتبط	ماه‌های معماری	اصول پنج‌گانه معماری ایرانی-اسلامی
 استفاده از تزئینات زیبا در بخش اندرونی حیاط	- سادگی نماهای خارجی؛ - تزئین دیوارهای داخلی؛	ثروت و دارایی نشان عذاب الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴)	آیه ۳۳-۳۴ سوره زخرف	اعتدال در تزئینات	پرهیز از بیهودگی
 استفاده از شیشه‌های رنگی در جهت کاهش شدت تابش آفتاب در عین ایجاد زیبایی	- لزوم استفاده از تزئیناتی که زیبایی باطنی دارند؛ - استفاده از تزئینات در جهت اهداف معمارانه؛ - عدم استفاده صرف از تزئین برای تزئین؛	کار عبث و بیهوده مذموم شناخته می‌شود. استفاده از تزئینات در وجه مثبت آن به عنوان ابزاری برای پوشاندن عیوب و در وجه منفی آن در قالب تجملات و فخر فروشی است.	سخن امام علی (نهج البلاغه: ص ۴۲۳)	استفاده از تزئینات کاربردی	

اصول پنج‌گانه معماری ایرانی-اسلامی	مابه‌ازای معماری	آیات و روایات مرتبط	تفسیر	راه‌کار عملی	نمونه عملی در معماری اسلامی
پرهیز از بیهودگی	میان‌ه‌روی در وسعت بنا	- سخن پیامبر اکرم (نهج الفصاحه: ۱۶۵) - سخن امام صادق و سائل الشیعه، ج ۵: ۳۳۸	با توجه به آیات و روایات موجود، از یک سو داشتن خانه بزرگ و مجلل نهی شده و از سوی دیگر به داشتن خانه دل‌باز توصیه شده است.	- پرهیز از ساختن بیش از نیاز خانواده؛ - پرهیز از ساخت فضاهای غیر ضروری؛ - ساخت خانه دل‌باز و وسیع؛	 تعیین وسعت فضا با توجه به نوع کاربری و الگوی رفتاری جاری در آن
ایجاد فضاهای چندعملکردی		سخن امام علی (نهج البلاغه: ص ۲۳۶)	پرداختن به اسراف و تبذیر امری ناپسند و مذموم است.	- انعطاف پذیر نمودن فضا؛ - پرهیز از اسراف و زیاده‌روی؛ - قابلیت استفاده از فضا در زمان‌های مختلف؛ - قابلیت انجام عملکردهای گوناگون در فضا؛	 فضاهایی مانند حیاط مرکزی و ایوان به عنوان فضاهایی چند عملکردی هستند
نهی اشرافیت		- سخن پیامبر اکرم (نهج الفصاحه: ۹۸)	منع نگاه کردن به داخل خانه‌ها بدون اجازه منع ساخت بناهای بلند در مجاورت ساختمان‌های دیگر به صورتی که مشرف به بناهای کناری باشد	- ایجاد هشتی؛ - ساخت دالان‌های پر پیچ و خم از ورودی به حیاط؛ - استفاده از الگوی حیاط مرکزی؛	 ایجاد پیچش در مسیر دالان‌ها مانع از دید افراد از فضای عمومی بیرون به فضای خصوصی خانه می‌شد.
درون‌گرایی	ایجاد سلسله مراتب فضایی	- سوره نور، آیه ۲۷ - سخن پیامبر اکرم - سخن امام علی	- لزوم کسب اذن ورود در هنگام وارد شدن به خانه؛ - لزوم ایجاد حجاب برای خانه.	- تعریف ورودی مشخص برای بنا؛ - تفکیک فضا به عرصه‌های عمومی، نیمه عمومی و خصوصی؛ - کنترل پذیری نفوذ به عرصه‌ها از طریق ایجاد سلسله مراتب دسترسی و سلسله مراتب بصری	 ایجاد هشتی در حد فاصل ورودی و اندرونی که منجر به شکل‌گیری سلسله مراتب روشنایی از یک فضای تاریک به فضای روشنایی می‌شود.
ایجاد محرمیت		سوره نور آیه ۲۷ سوره بقره آیه ۱۸۹	حریم در فقه به معنای منع کردن از چیزی است که نزدیک شدن به آن برای غیر صاحبش ممنوع است	- تفکیک خانه به دو بخش اندرونی و بیرونی؛ - قرار دادن اندرونی در بیش‌ترین فاصله از ورودی؛ - ایجاد پیش ورودی برای فضاها؛	 تقسیم بنا به دو بخش اندرونی و بیرونی و دسترسی آنها از طریق تنها یک ورودی کنترل شده
ایجاد مرکزیت		سوره یونس، آیه ۸۷	- خداوند مرکز زمانی، مکانی و منشا همه مفاهیم موجود است. - تمرکز و جهت با کلمه قبله پیوند خورده است.	- ساخت حیاط به عنوان مرکز بنا؛ - استقرار فضاهای مختلف در اطراف حیاط؛ - ورود طبیعت در بهترین شکل در حیاط	 تفکیک خانه به عرصه‌های مختلف به واسطه وجود حیاط‌های مرکزی



اصول پنج گانه معماری ایرانی-اسلامی	ماهه ازای معماری	روایات و آیات مرتبط	تفسیر	راه کار عملی	نمونه عملی در معماری اسلامی
درون گرایی	ایجاد خلوت	آیات ۵۸ و ۵۹ سوره نور	تأکید بر حفظ حریم خصوصی افراد زمانی که تمایل به دیده شدن توسط دیگران را ندارند. (تفسیر المیزان، ج ۱۵)	- ساخت یک فضای حائل مانند راهرو در حد فاصل اتاق و حیاط به منظور جلوگیری از ورود مستقیم افراد - ساخت فضاهایی همچون صندوق خانه ها، بالاخانه ها، اتاق های گوشواره به منظور ایجاد خلوت در اتاق	 ساخت فضایی به عنوان پیش ورودی علاوه بر ایجاد سلسله مراتب فضایی، از ورود مستقیم به فضا جلوگیری می کند. هم چنین با ساخت صندوق خانه و پستو و ... عمق بیش تری به فضا داده که این امر باعث افزایش محرمت و ایجاد خلوت می شود.
رعایت مقیاس فضایی	رعایت مقیاس فضایی	سخن امام صادق (اصول کافی، ج ۶: ۵۳۱)	در ساخت اندام ها و اجزای فضا، به گونه ای عمل شود که فضاها و سعتهای متناسب با عملکردشان داشته باشند	اختصاص فضاهای کوچک و با عمق زیادتر برای خانواده و فضای بزرگتر و مجلل تر به میهمانان	
پرهیز از ارتفاع بلند بنا	پرهیز از ارتفاع بلند بنا	سوره شعراء، آیه ۱۲۸ سخن امام صادق (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۶۶۴۰)	پرهیز از ساخت بناهای بلند که نشان دهنده هوس و تکبر می گردد	- پرهیز از ساخت بنا با ارتفاع زیاد - پرهیز از مرتفع نمودن سقف فضاهای داخلی - اختصاص ارتفاع به هر فضا متناسب با نوع عملکرد آن در بنا	 تخصیص ارتفاع های مختلف به فضاها با عملکردهای متفاوت و در عین حال ممانعت از ساخت فضا با ارتفاع زیاد
مردم داری	پرهیز از تشخص	سوره شعراء، آیات ۱۲۸ و ۱۲۹	این موضوع در قرآن تحت عنوان تکاثر مطرح شده است. این واژه به معنای فزون طلبی و فخر فروشی به دیگران می باشد.	- عدم استفاده از مصالح خاص در نمای خارجی بنا - عدم استفاده از فرم های خاص و متمایز از بافت پیرامون - عدم استفاده از عناصری مانند سردر در بنا که باعث فخر فروشی شوند.	 یکنواختی سیمای کالبدی بافت، عاملی برای ایجاد هویت جمعی و پرهیز از فخر فروشی
تأمین نیازهای مختلف افراد ساکن	تأمین نیازهای مختلف افراد ساکن	سوره قصص، آیه ۸۱ سخن امام صادق (اصول کافی، ج ۶: ۵۳۱)	انسان مسلمان ضمن اینکه با ساختن سرپناه، نیازها و مقاصد مادی و فیزیکی خود را تأمین می کند، تعلقات مذهبی، فرهنگی و سنت های بومی، حالات عاطفی و تمایلات درونی خویش را نیز در خانه به نمایش می گذارد.	- پیش بینی فضاهای لازم برای گروه های مختلف سنی و جنسیتی (حیاط های بیرونی و اندرونی) - تفکیک حوزه عمومی از حوزه خصوصی در خانه؛ - اختصاص فضا برای عملکردهای مختلف اعضای خانواده در طول شبانه روز	 با ساخت حیاط های مختلف در خانه و چینش فضاها در اطراف آنها، علاوه بر تفکیک حوزه های مختلف در خانه، زمینه انجام فعالیت های مختلف در ارتباط با هر حوزه ایجاد می شود و به این ترتیب نیازهای مختلف ساکنان رفع می شود.

اصول پنج‌گانه معماری ایرانی-اسلامی	مابه‌ازای معماری	آیات و روایات مرتبط	تفسیر	راه‌کار عملی	نمونه عملی در معماری اسلامی
نیارش	تقارن	سوره شمس، آیه ۷	تأکید بر اصل وحدت وجود و سیر از کثرت به وحدت که به نوعی بر اصل توحید تکیه دارد.	- ایجاد تقارن محوری در کلیت فضا - ایجاد تقارن نقطه‌ای در ارتباط با جزئیات	 ایجاد تقارن محوری در نمایی از اصول زیبایی‌شناسی بصری در معماری سنتی است
	تعادل	سوره انفطار، آیه ۷	مفهوم تعادل از مشتقات عدل به معنای قرارگیری هر چیز در جای خود است.	- استفاده از سیستم پشت‌بند برای ایجاد تعادل سازه‌ای - استقرار جزرها بر روی یکدیگر برای انتقال بار به زمین	 استقرار جزرها بر روی یکدیگر علاوه بر ایجاد زیبایی بصری، باعث ایجاد تعادل در نظام سازه‌ای و ایستایی بنا می‌شود.
خودبستگی	مکانیابی مناسب	سوره اعراف، آیه ۷۴ سوره ابراهیم، آیه ۳۷	انتخاب مکان جهت ایجاد مسکن توسط انبیا امری الهی بوده و بر اساس نماز و عبادت انجام می‌پذیرفته است	در مناطق گرم و خشک، ساخت خانه در زمین‌های هموار و در مناطق سردسیری، استفاده از شیب کوهستان، بهترین مکان برای ساخت خانه به شمار می‌رود	 ساخت بنا در شیب در مناطق کوهستانی امکان استفاده از ظرفیت گرمایی زمین و همچنین امکان جذب تابش آفتاب را به حداکثر می‌رساند
	تأمین آسایش حرارتی و برودتی	آیه ۷۴ سوره اعراف سخن امیر المومنین (تفسیر نمونه، ج ۶: ۲۸۴)	قطع وابستگی و تأکید بر خودکفایی در اسلام به عنوان ارزش مطرح است	- ایجاد فضاهای چهار فصل - تغییر مکان سکونت در تابستان و زمستان برای آسایش - استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی بالا	 ایجاد فضاهای تابستان‌نشین و زمستان‌نشین باعث تأمین شرایط آسایشی افراد خانواده در فصول مختلف سال بدون اتلاف بیش از حد انرژی می‌شود.

ماخذ: نگارندگان

فهرست منابع و مراجع

۶. بمانیان، محمد رضا (۱۳۹۱)، **تبیین اصول طراحی مسکن از دیدگاه قرآن کریم**، صندوق حمایت از پژوهشگران، تهران.
۷. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۳)، **سبک شناسی معماری ایرانی**، انتشارات سروش دانش، تهران.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، **تسنیم**، مرکز نشر اسراء، قم.
۹. ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، **میزان الحکمه**، سازمان چاپ و نشر دارالاحادیث، قم.
۱۰. شیخ صدوق (۱۳۷۶)، **الأمالی**، چاپ ششم، کتابچی، تهران.
۱۱. طبرسی، شیخ حسن (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ترجمه هاشم رسولی، ناصر خسرو، تهران.

۱. **قرآن کریم** (۱۳۷۴)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دارالقرآن کریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران و قم.
۲. **اصول کافی** (۱۳۶۹)، ترجمه جواد مصطفوی، کتابفروشی علمیه اسلامی، تهران.
۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق)، **بحارالانوار، الجامعه لدرراخبار الائمه اطهار**، ج ۷۶، نشر اسلامی، تهران.
۴. انصاری، مجتبی (۱۳۸۱)، «تزیین در معماری و هنر ایران دوره اسلامی با تأکید بر مساجد»، **مدرس هنر**، دوره اول، شماره اول.
۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۲)، **نهج الفصاحه**، انتشارات جاویدان، تهران.

۱۲. طبرسی، شیخ حسن (۱۳۷۰)، **مکارم الاخلاق**، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، نشر فراهانی، قم.
۱۳. علوی نژاد، سید محسن؛ نادعلیان، احمد؛ کفشچیان مقدم، اصغر و شیرازی، علی اصغر (۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی در کاربرد دو اصطلاح تزینات در معماری و دیوارنگاری در منابع هنر اسلامی»، **فصلنامه نگره**، شماره ۱۵.
۱۴. کریمی، علی (۱۳۹۳)، **حقیقت خانه، رهیافتی به شناخت قدر و منزلت شایسته خانه، رواق نظر**؛ ده مقاله در معماری، موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن، تهران.
۱۵. لنگ، جان (۱۳۸۶)، **آفرینش نظریه معماری**، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه دکتر علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴)، **حلیه المتقینف**، چاپ دوم، انتشارات یاس بهشت، تهران.
۱۷. مرتضی، هشام (۱۳۸۷)، **اصل سنتی ساخت و ساز در اسلام**، ترجمه ابوالفضل مشکینی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۱) **تفسیر نمونه**، انتشارات دارالمکتب الاسلامیه، تهران.
۱۹. مومنی، کورش و ناصری، ندا (۱۳۹۴)، «بررسی ابزارها و روش های ایجاد محرمیت در خانه زینت الملک شیراز منطبق بر آیات و روایات اسلامی»، **فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی**، سال سوم، شماره نهم.
۲۰. ناری قمی، مسعود (۱۳۸۹)، «مطالعات معناشناختی در باب معناشناختی در باب مفهوم درون گرایی در شهر اسلامی»، **هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی**، دوره ۲، شماره ۴۳.
۲۱. نقره کار، عبد الحمید (۱۳۸۷)، **درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی**، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۲۲. نقره کار، عبد الحمید (۱۳۸۹)، **مبانی نظری معماری**، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
۲۳. نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۹)، «حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده، فقه و حقوق خانواده»، **ندای صادق**، سال ۱۵، شماره ۵۲.
۲۴. نقی زاده، محمد (۱۳۷۹)، «صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم»، **صحیفه مبین**، سال ۲، شماره ۵.
۲۵. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵)، **معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)**، انتشارات راهیان، اصفهان.
۲۶. نقی زاده، محمد (۱۳۹۱)، «تاملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی»، **فصلنامه هنر**، شماره ۱۷۰.
۲۷. نهج البلاغه (۱۳۸۸)، **گردآوری**، سیدرضی، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، قم.
۲۸. وثیقی، بهزاد (۱۳۹۲)، **چارچوب اصول خانه با توجه به مفاهیم قرآنی**، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲۹. وثیق، بهزاد؛ پشتوتنی زاده، آزاده و بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۸)، «مکان و مسکن درمنظر اسلام»، **پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم**، سال ۱، شماره ۳.
۳۰. عاملی، شیخ حر (۱۴۰۹ ق)، **وسائل الشیعه**، ج ۵: ۳۳۸، مؤسسه آل البیت (ع)، چاپ اول، قم.